

چین و
افغانستان در
سال ۱۹۵۵ روابط
دیپلماتیک
برقرار و در سال
۱۹۶۳ معاهده
مرزی را امضا
کردند. تا سال
۲۰۰۱ «افغانستان
در حاشیه
دیپلماسی چین
قرار داشت». (۱)
و تماس‌های دو
کشور با تغییرات
چشمگیر
متوالی در
افغانستان قطع
می‌شد. چین در
فاصله سال‌های
۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ نه
دولت‌های
کرمل و
نجیب‌الله را که
تحت حمایت
اتحاد جماهیر
شوروی بودند (۲)
به رسمیت
شناخت و نه
رژیم طالبان

با تسلط طالبان بر کابل و خروج کامل نیروهای ایالات متحده در آگوست سال ۲۰۲۱، تغییرات شگرفی در افغانستان رخ داده‌اند. انتظار می‌رود چین به عنوان بزرگ‌ترین همسایه افغانستان نقش مهم‌تری را در آن کشور ایفا کند.

در این مقاله به بررسی تشدید دیپلماسی دوجانبه و چندجانبه چین در قبال افغانستان در دوران پس از عقب‌نشینی امریکا می‌پردازیم و تلاش می‌کنیم اهداف تعامل چین با رژیم طالبان را تفسیر و محدودیت‌های سیاست چین را مشخص کنیم.

در خشکی، افغانستان یکی از چهارده کشور همسایه چین است که کمتر از ۱۰۰ کیلومتر با آن مرز مشترک دارد. چین و افغانستان در سال ۱۹۵۵ روابط دیپلماتیک برقرار و در سال ۱۹۶۳ معاهده مرزی را امضا کردند. تا سال ۲۰۰۱ «افغانستان در حاشیه دیپلماسی چین قرار داشت». (۱) و تماس‌های دو کشور با تغییرات چشمگیر متوالی در افغانستان قطع می‌شد. چین در فاصله سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ نه دولت‌های کرمل و نجیب‌الله را که تحت حمایت اتحاد جماهیر شوروی بودند (۲) به رسمیت شناخت و نه رژیم طالبان را که از سال ۱۹۹۶ تا سال ۲۰۰۱ بر افغانستان استیلا یافت. پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ چین برای مبارزه با تروریسم به واشنگتن قول «حمایت بی‌قید و شرط داد و به قطعنامه‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ که مبنای قانونی برای حمله ایالات متحده به افغانستان و سرنگونی رژیم طالبان را فراهم می‌کرد و نیز ایجاد نیروی بین‌المللی کمک به امنیت (ISAF) در افغانستان رأی داد». (۳)

در دو دهه گذشته چین در قبال افغانستان سیاست مستقلی را دنبال و در دوران حامد کرزای و اشرف غنی روابط خوبی را با افغانستان برقرار کرد. در دهه اول پس از حملات ۱۱ سپتامبر چین سیاست خود را بر بازسازی افغانستان، ارائه کمک‌های عمرانی و ارتقای همکاری‌های اقتصادی با افغانستان متمرکز کرد. چین در تمام این مدت تلاش کرد از هرگونه دخالت نظامی فاصله بگیرد. نه نیرویی برای پیوستن به نیروهای بین‌المللی کمک به امنیت (ISAF) اعزام کرد و نه در شبکه توزیع شمالی که خطی تدارکاتی برای آسیاف در افغانستان است، شرکت کرد. چین از سال ۲۰۱۴ با تعیین یک نماینده ویژه برای امور افغانستان تسهیل گفت‌وگوها بین دولت افغانستان و طالبان و میانجیگری بین افغانستان و پاکستان مشارکت خود در امور افغانستان را گسترش داده است. در این فرایند رابطه دوجانبه چین و افغانستان به شکلی مستمر توسعه پیدا کرد. آنها در سال ۲۰۱۲ مشارکت راهبردی مبتنی بر همکاری را با یکدیگر ایجاد و در سال ۲۰۱۶ یادداشت تفاهمی را درباره BRI (جاده ابریشم جدید) امضا کردند.

از زمانی که در ۱۵ آگوست سال ۲۰۲۱ طالبان کابل را تصرف کردند و ایالات متحده در ۳۰ آگوست کاملاً عقب‌نشینی کرد تغییرات چشمگیری در افغانستان رخ داده است.

چگونگی برخورد با افغانستان پس از امریکا یک سؤال محتوم و چالش‌برانگیز برای چین است که باید به آن پاسخ بدهد. در حالی که غرب مترصد آن است که بدانند آیا چین «خلاً قدرت بجا مانده از ایالات متحده امریکا و متحدانش را در افغانستان» پرمی‌کند و موقعیت خود را گسترش می‌دهد (۴). دیگران، بویژه کشورهای منطقه، از جمله افغانستان انتظار دارند او نقش بزرگ‌تری را ایفا کند. سیاست چین به عنوان بزرگ‌ترین همسایه افغانستان در قبال این کشور از اهمیت دوجانبه، منطقه‌ای و حتی جهانی برخوردار است. در این مقاله سعی شده است برای سه موضوع تفسیرهایی ارائه شود: منافع نگرانی‌های چین، مجموعه ابزار سیاست چین و چالش‌های پیش‌رو.